

سبک آموزش



طرح: جواد تکونو افراس

در نظام آموزشی پولی آموزه‌های تربیتی جایی ندارد

ثروت داشته باش تا علم بیاموزی!

■ **مریم ترابی**

بوی مهر و بوی مدرسه، شهر پر از شور و هیجان شده است. اکثر خانواده‌ها در گیر روزهای آغازین سال جدید تحصیلی شده‌اند. در واقع در تکاپوی تهیه اسباب مدرسه هستند که البته این تکاپوها فقط برای آموزش فرزندان است نه پرورش آنها! ما گرفتار جریان یک نظام آموزشی شده‌ایم که در آن پرورش جایی ندارد. ما گرفتار همان جریانی شده‌ایم که موفقیت را بر ایمان با نمره ۲۰ تعریف می‌کند. جریانی که می‌گوید موفقیتی که دیگران آن را برای ما مشخص می‌کنند مهم است. ما گرفتار گرداب آموزشی چشم و هم چشمی شده‌ایم و با دست‌های خود سرنوشت فرزندانمان را به تاجکابآباد می‌کشانیم. همان نظام آموزش و پرورش که فقط در آن درس و درس و درس وجود دارد و لاغیر. کلمه پرورش در نظام آموزشی امروزی حتمی از اعراب ندارد. به همین دلیل با نسلی در جامعه‌روبرو هستیم که از یک ور یام افتاده، قطعاً یکی از دلایل ایجاد این جریان ،مدارس پولی هستند که ترکیب آموزش و پرورش را به نفع آموزش آن هم از نوع رقابتی، به هم ریخته‌اند. اما دلیل مهم تر، مافیای آموزشی است که در دل وزارت آموزش و پرورش رخنه کرده است و برای سود بیشتر خود، فرزندان ما، سازندگان فردای جامعه را قربانی می‌کند. شهریه‌های اجباری، لوازم‌التحریر اجباری، کمک درسی اجباری، همه و همه با عنصر پول گره خورده‌اند.

■ ■ ■

■ **شهریه‌های اجباری، لوازم‌التحریرهای سفارشی!**

مگر یکی از اصول مهم در نظام آموزش و پرورش کشور همانند بون همه دانش‌آموزان نیست؟ همه با لباس‌های یک شکل و متحد و ساده و آراسته؟! مگر نباید فقیر و غنی در کنار هم و مانند هم درس بخوانند و باسواد شوند؟ پس این چه بساطی است که مدارس به راه انداخته‌اند؟ مرتب در خبرها می‌خوانیم که آقایان مسئول همدار می‌دهند که

سبک تربیت

مدارس دولتی به کجا می‌روند؟

■ **مهتری مرادی***

شاید وضعیت نابسامان بسیاری از مدارس دولتی بر این مناسبت که در مسیر خصوصی‌سازی مدارس پیش بروند، چند روز پیش به مدرسه فرزندم رفتم. وقتی با معلم او رو به رو شدم، از طرز برخوردش چنان افسوس خوردم به حال فرزندانم که باید نسیمی از روزشان را در چنین محیطی با چنین معلمی سپری کنند. معلمی که آداب گفت و گو با والدین را نمی‌داند، چطور می‌تواند تاثیر مثبت بر دانش‌آموزان داشته باشد؟ با نیم نگاهی به مدارس، به خصوص مدارس پسرانه دولتی بی‌حوصلگی معلمان را می‌بینیم که چطور فضا را برای دانش‌آموزان شلوغ فراهم می‌کنند تا نظم کلاس را بر هم زنند. بعد از آن معلم هم راحت‌ترین کار، یعنی اخراج دانش‌آموز را از کلاس بهترین راه حل خاموش کردنش می‌داند. غافل از اینکه دانش‌آموز شلوغی که نظم کلاس را بر هم زده از بیرون رفتن کلاس ناراحت نمی‌شود و معلم به همین راحتی دانش‌آموز را به مسیر بی تفاوتی به درس و تحصیل سوق می‌دهد. چنین معلم‌هایی در حقیقت ابتدا خودشان باید تربیت شوند! البته منظور همه معلمان فریخته جامعه‌مان نیست، اما وقتی پول در آموزش و پرورش محور می‌شود، چنین وضعی نیز پیش می‌آید.

مگر نه اینکه آموزش و پرورش وظیفه دارد زمینه‌های مناسب را برای پرورش نسل رو به رشد فراهم کند؟ مگر نه اینکه با سرمایه‌گذاری روی نیروهای انسانی در درازمدت می‌توان از اثرات مثبت آن در جهت شکوفایی کشور بهره گرفت. پس چرا اهداف اصلی به حاشیه رفته‌اند؟ آن زمان که وزیر آموزش و پرورش شرط تیپ و قیافه و ظاهر اربابی معلمان ضروری می‌دانست آیا به این مسئله فکر کرده بود

مدارس حق دریافت هیچ گونه وجهی را از والدین ندارند. حالا شما آقایان مسئول هی بگویید شهریه نگیرید کو گوش شنوا؟ شهریه‌ها که به هر حال گرفته می‌شود البته در پوشش کمک به مدرسه!در کنارش هم انواع سفارشات انجمنی داده می‌شود. مدارس پولکی سبک رفتاری را مد کرده‌اند که به مدارس دولتی هم سرایت کرده است. در دانش‌آموز برای این مدارس حکم یک بت برای پرستش را دارد. چرا؟ چون نبض زندگی این مدارس در دست‌های والدین این دانش‌آموزان است، متعاقباً برای اینکه آب در دل این دانش‌آموزان تکان نخورد نظام سوسول‌پروری را ایجاد کرده‌اند.

به گمان خودشان می‌خواهند نظام هماهنگ‌سازی را در مدارس ایجاد کنند. در ابتدا یک لیست بلند بالا به دست والدین می‌دهند که شامل انواع و اقسام وسایل و لوازم‌التحریری می‌شود که برق از چشمان والدین می‌برد. در مقطع ابتدایی لوازم نقاشی یکی از رکن‌های اساسی این مقطع است. باشد قبول رنگ نقاشی مهم است ولی چرا باید همه این لوازم را از یک مارک مشخص و از یک فروشگاه مشخص تهیه کنند؟ آیا شائبه تباری با مدرسه پیش نمی‌آید؟ فرض کنیم در مقطع ابتدایی تهیه این لوازم که نسیمی از آنها اصلاً مورد استفاده قرار نمی‌گیرد واجب است و والدین هم تهیه می‌کنند. توقع والدین این است که در مقاطع بالاتر لیست خرید لوازم‌التحریری به دست آنها داده نشود که البته توقع بی‌جایی است و این پروسه لوازم‌التحریرها و کمک درسی‌های سفارشی تا کنکور همراه والدین خواهد بود!در لیست داده شده انواع مقواها با اسم‌های عجیب در رنگ و سایزهای متفاوت آورده شده است! به مقدار زیادی دفتر در تعداد برگ‌های مختلف از یک مارک مشخص (تاکید شده از همین مارک تهیه شود) با ورق‌های اضافی و تعداد زیادی خودکار، همچنان از یک مارک مشخص و... که قیمت تهیه برخی لیست‌ها سر به فلک می‌کشد!

در این وانقشای اقتصادی چرا باید مدارس اینچنین لیستی را به دست والدین بدهند؟ آیا مسئولان مدارس می‌دانند تهیه همین لوازم‌التحریر ساده و ناچیز چه فشاری را به خانواده‌ها وارد می‌کند؟ این چه سبکی از آموزش است که شده است؟! به اندازه کافی جامعه ما مبتلا به بیماری

سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۴۹۴۷۱

درد

در نظام آموزشی که روز به روز به سمت پولی شدن پیش می‌رود پرسش «علم بهتر است یا ثروت؟» یک جواب بیشتر ندارد. جواب بی‌برو برگرد این است: «ثروت بهتر است» و برای به دست آوردن این ثروت تا می‌توانی مسابقه بده تا از دیگران جلو بزنی. نظام آموزشی که در آن پول تعیین‌کننده کیفیت آموزش است، در گیر تضادهایی است که معنویت علم‌جویی و تربیت را زیر سؤال می‌برد و متأسفانه والدین و خانواده‌ها هم با این جریان بیمار همراهی می‌کنند

چشم و هم چشمی است. دیگر با این رفتارها به این معضل دامن نزنید و شکاف بین اقشار جامعه را بیشتر نکنید. خانواده‌ای که فقط توانسته با هزار زحمت و قرض و قوله شهریه در خواستی مدرسه را تهیه کند چرا اینچنین لیست

پرهزینه‌ای را به دستش می‌دهید که شرمنده فرزندش شود؟ حتی در مورد مدارس غیرانتفاعی هم که والدین با آگاهی از هزینه‌های این مدارس باز هم فرزندانشان را به این مدارس می‌فرستند هم این ایراد وارد است. باید در تمام مدارس چه دولتی و چه غیردولتی اجبار شود که والدین برای فرزندانشان ساده‌ترین و کم‌هزینه‌ترین لوازم‌التحریر را تهیه کنند. اگر اینچنین شود می‌توانیم بگوییم که در نظام آموزشی ما هماهنگ‌سازی وجود دارد.

■ **کتاب‌های کمک درسی یعنی چه؟**

کتاب‌های درسی را که توزیع کردند یکی یکی ورق می‌زدم و مباحث آموزشی آن را مرور می‌کردم. پسرم یک لیست از کتاب‌های کمک درسی را برابرم آورد که باید آنها را تهیه می‌کردیم. با تعجب به لیست نگاه کردم و گفتم چرا؟! مگر این کتاب‌ها مباحث لازم و کافی را برای آموزش ندارند؟ چه نیازی به کتاب‌های کمک‌درسی است؟ پسرم گفت این لیستی است که معلم‌های مدرسه داده‌اند و باید تهیه کنیم چون تکالیف از این کتاب‌ها داده می‌شود!واقعا جای تعجب و تأسف دارد. اگر کتاب‌های درسی کامل نیست، کاملش کنید. اگر کامل است پس این کتاب‌های کمک درسی چه می‌گویند؟! می‌دانید مشکل از کجاست؟ از خود والدین است که با توقعات بی‌جای خود از معلمان مدرسه در خصوص آموزش‌های فرازمینی، باعث ایجاد این سبک از آموزش شده‌اند. آفت چشم و هم چشمی متأسفانه جامعه آموزشی ما را بسیار بیمار کرده است. والدینی که آموزش‌های مافسوق هوش و توان دانش‌آموز را یک اصل مهم می‌دانند و با این تفکر اشتباه خود هم به معلم و هم به دانش‌آموز فشار می‌آورند، قطعاً اسباب چشم در چنین شرایطی افراد سودجویی هم هستند که از این آب گل آلود برای خود ماهی می‌گیرند. ایجاد کلاس‌های تقویتی، کتاب‌های کمک درسی در تیراز بالا و تشویق

نگاه



نگذاریم از آموزش و پرورش فقط «واو» وسط آن باقی بماند!

وقتی دو دو تا چهار تایی ریاضی جای کلاس اخلاق را تنگ می‌کند

■ **ندا طبایخان اصفهانی**

آنچه باید در تعلیم و تربیت مورد توجه قرار گیرد، شناخت قلب است. یک معلم باید قبل از هر چیز روی قلب متعلم شناخت کافی پیدا کند و زمان تولد آن را بداند چرا که در زمان رشد است که قلب متولد می‌شود و اگر در آن زمان به این نکته دقت نشود، قلب مریض به دنیا می‌آید و قلبی که فهم عمیق و عقلی از طریق آن کسب می‌شود، اگر مریض به دنیا بیاید تربیت صحیح انجام نخواهد گرفت و این همان اشکال کار ماست در تعلیم و تعلم در مدارس!

اینجاست که باید نقش معلم و آموزش و پرورش مورد دقت و بررسی قرار گیرد، اینجاست که یک معلم باید خودش به فهم عقلی رسیده باشد، خودش به تکامل رسیده و سالم متولد شده باشد، خودش ساخته باشد تا بتواند دلنبدان و آینده‌سازان این مرز و بوم را نمی‌گویند تربیت و پرورش چه می‌شود. همه والدین امروزی دغدغه‌شان فقط درس فرزندانشان است و تربیت کنده‌امری که قلب فعالی داشته باشد می‌تواند با قلب بچه به طرز صحیح کار کنند و او را طوری تربیت کند که خدا پسند باشد. اوست که می‌تواند قطره قطره از آنچه قلب سالم خودش به آن رسیده را با روشی صحیح و اصولی به عمق جان متعلم وارد سازد. اوست که می‌تواند در بچه انگیزه‌های صحیح ایجاد کند و او را به راست هدایت کند و زمانی که انسان، درونش انگیزه را ایجاد شد می‌تواند اهداف مقدسی را دنبال کند و به کامیابی و موفقیت دست یابد.

■ ■ ■

انسان در دوران آموزش، معلم را دانای کل می‌داند و وقتی معلم آتقدر بر باشد که بتواند روی قلب متعلم به درستی کار کند، آن وقت است که اخلاق در ذهن او شروع به جوانه زدن می‌کند که کمک مادر کند، از عدم پوشیدگی خود در مقابل نامحرم شرم کند و...

باید برای تقویت روح و آموزش‌های بعدی این انسان در دوران آموزش، معلم را دانای کل می‌داند و وقتی معلم آتقدر بر باشد که بتواند روی قلب متعلم به درستی کار کند، آن وقت است که اخلاق در ذهن او شروع به جوانه زدن می‌کند که کمک مادر کند، از عدم پوشیدگی خود در مقابل نامحرم شرم کند و...

باید برای تقویت روح و آموزش‌های بعدی این انسان در دوران آموزش، معلم را دانای کل می‌داند و وقتی معلم آتقدر بر باشد که بتواند روی قلب متعلم به درستی کار کند، آن وقت است که اخلاق در ذهن او شروع به جوانه زدن می‌کند

انسان در دوران آموزش، معلم را دانای کل می‌داند و وقتی معلم آتقدر بر باشد که بتواند روی قلب متعلم به درستی کار کند، آن وقت است که اخلاق در ذهن او شروع به جوانه زدن می‌کند

جوانه‌های حیا، عفاف، وجدان، نظم‌ستیزی و... را که در انسان شروع به رشد می‌کند آبیاری کرد نه اینکه آن را خشک کرد. مثلاً یک کودک از سن پنج سالگی از عریان شدن خود شرم می‌کند، وقتی یک مادر که معلم اول و آخر فرزندانش است به او بگوید اشکالی ندارد، تو کوچک هستی، در واقع جوانه حیا را به جای آبیاری خشک کرده است. یا آن قدر که یک مادر به مسائل جسمی و غریزی کودکش دقت نظر دارد به این مسائل کمتر دقت می‌کند و تنها کاری که با فرزند خود می‌کند پرورش و تقویت غریزه شکم است و بس! حیا و عقل و دین به هم متصل هستند. بنابراین چه بسیاریند افراد محجبه‌ای که عفت کلام ندارند یا افرادی که عفت کلام دارند ولی حجاب ندارند و این نشانه این امر است

درد

یک معلم باید به خوبی قادر باشد کلیدواژه‌ها را در دست، با بد یکی یکی واژه‌هایی که به انسان شدن یک انسان کمک می‌کند را شرح دهد و به او کمک کند تا وجدان خود را زنده کند و همواره بیدار نگه دارد